



فهرست مطالب

۲ مقدمه
۲ ثواب مستقل در مقدمات و اوامر غیریه
۳ ادله قائلان به استحقاق ثواب در مقدمه
۳ ۱. تفاوت تکالیف در ثواب به خاطر تفاوت مقدمات
۴ جواب از دلیل اول



بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

ما چهار پنج بحث از مباحث بسیار مهم در مقوله ثواب و عقاب، ملأ کات ثواب و عقاب و رابطه اعمال ثواب و عقاب عرض کردیم، دو هفته‌ای در این زمینه مشغول بودیم که از آن عبور بکنیم. حالا می‌رسیم به آنچه در بحث اصول در کفایه است. در اصول کفایه، بعد از آن که تقسیمات مقدمات و احکام آن را ذکر کردند، در پایان می‌فرمایند دو تذنیب داریم که دو تا مطلب را در آن جا می‌آورند و وارد در اصل بحث وجوب مقدمه می‌شوند. اولین مطلب در این دو تذنیب این است که آیا در مقدمه ثواب و عقاب مستقلی وجود دارد یا ندارد؟ ما در ابتدا در بحث ثواب بحث می‌کنیم، بعد راجع به عقاب.

ثواب مستقل در مقدمات و اوامر غیری

سؤال اول در امر اولی که ایشان مطرح کرده‌اند این است که انجام مقدمه بما هو مقدمه، اگر با قصد قربت باشد، ثواب دارد یا ندارد؟ مشهور قصد قربت را می‌گفتند که ما هم تقریباً با یک تأملی آن را پذیرفتیم. حالا شخص قصد قربت می‌کند و مقدمه را به قصد امر مولا می‌آورد آیا ثوابی غیر از ذی‌المقدمه بر او مترتب می‌شود یا نه؟ این یک سؤال است که در این جا است؛ بنابراین سؤال این است که آیا در اوامر غیری مثل اوامر نفسی، ثواب مستقل وجود دارد یا نه؟ (سؤال طلبه) جواب استاد: عقاب را بعد بحث می‌کنیم آن هم بحث جدایی دارد، سؤال ما در این جا است که اوامر غیری مستلزم ثواب مستقلی غیر از ثواب ذی‌المقدمه و اوامر نفسی هستند یا نه؟ با فرض این که قصد قربت در آن باشد؛ چون اگر قصد قربت در آن نباشد، مشهور، بلکه ما هم تأیید می‌کردیم که حتی در اوامر نفسی، ثوابی ندارد. در اینجا مرحوم صاحب کفایه قائل‌اند که ثواب مستقلی ندارد و دو وجه را مبنی بر این که ثواب مستقلی ندارد ذکر کرده‌اند. امثال مرحوم کمپانی نیز قائل به این هستند که ثواب مستقلی ندارد. بعضی‌ها هم گفته‌اند ثواب مستقل دارد، از جمله مرحوم آقای تبریزی رضوان‌الله علیه، قائل‌اند که اوامر غیری، ثواب مستقل دارد؛ بنابراین در اینجا دو نظر است: مرحوم آخوند از قائلان به قول اول هستند که می‌گویند ثواب مستقل ندارد. دلیل این قول نیز حکم مستقل عقل است. در نقطه مقابل هم کسانی هستند که می‌گویند اوامر غیری ثواب مستقل دارد. البته غالباً در زمره قائلان قول اول قرار دارند که می‌گویند ثواب مستقلی ندارد؛ یعنی اگر شخص مقدمه را (با قطع نظر از ذی‌المقدمه) با قصد قربت بیاورد، مستلزم ثوابی



نخواهد بود، بلکه هر چه هست مال ذی‌المقدمه است. کسانی معدود از جمله مرحوم آقای تبریزی قائل به قول دوم هستند. ما نوع استدلال را عمدتاً بر اساس آن شکلی که مرحوم شهید صدر در اینجا تنظیم کرده‌اند، به جلو می‌بریم (البته در مواردی از این روال ممکن است فاصله بگیریم).

ادله قائلان به استحقاق ثواب در مقدمه

۱. تفاوت تکالیف در ثواب به خاطر تفاوت مقدمات

مرحوم شهید صدر، در گام نخست قول اول را که قائلان زیادی ندارد مورد بررسی قرار می‌دهد که ما نیز به همین منوال پیش خواهیم رفت. در کفایه نخست برای قول استحقاق ثواب دو وجه بیان شده است اما ما همان شیوه مرحوم شهید صدر را ترجیح می‌دهیم؛ بنابراین، اول می‌بینیم مستندات قول دوم؛ یعنی کسانی که می‌گویند که اوامر غیري ثواب دارد، چیست؟ اولین وجهی که در کلام مرحوم شهید صدر آمده است و در کلمات دیگران هم جست و گریخته آمده، اما ایشان منظم کرده‌اند، این وجه است که ما دو نوع واجبات داریم: الف) بعضی از واجبات هستند که مقدمات عریض و طویل ندارند؛ یعنی واجبات نفسی که نیازمند به مقدمات مفصل و عریض و طویل نیستند که وقتی به ذی‌المقدمه امر می‌شود، یا مقدماتی ندارد یا اگر هم دارد، مقدمات خیلی عادی و سهل‌الوصول دارد. مثلاً می‌گوید آب بده من بخورم، همین‌جا شیر آب هست و یک لیوان می‌گیرد و به او می‌دهد، اما گاهی تکلیف نفسی بر مقدمات بعیده و دشوار متوقف است؛ مانند انجام حج که آن همه طول و تفصیل و مقدمات و مشقات عدیده دارد. از هزینه گرفته تا طی مسافت و تحمل مشقت‌های فراوان. از این حیث انجام تکالیف را وقتی با همدیگر مقایسه بکنید می‌بینید که این تکالیف متفاوت‌اند. تکالیفی که مقدمات بعیده و شاق‌های ندارد و تکالیفی که مقدماتشان شافه و متعدده است. پس تکالیف یکی در تعداد و کمیت مقدمات باهم متفاوت‌اند که یکی مقدمات کمتر و دیگر مقدمات بیشتر دارد و یکی هم در کیفیت و میزان مشقتی که شخص متحمل می‌شود که برخی تکالیف مقدمات سهل‌های دارند و بعضی دارای مقدمات شاق‌های هستند؛ بنابراین، سؤال این است که بین این دو نوع تکلیف به لحاظ ثواب تفاوتی وجود دارد یا نه؟ آن تکلیفی که مقدمات قریبه، کم شمار، در دسترس و کم مشقت دارد، با تکلیفی که مقدمات متعدده‌ای پرشمار و پر مشقت دارد، آیا وزن ثواب این‌ها یکسان است یا تفاوت دارند؟ قطعاً می‌گویید وزن این‌ها به لحاظ ثواب متفاوت است. حالا سؤال این است که راز تفاوت در چیست؟ سر این تفاوت در این است که تکلیف پر مشقت و با مقدمات بیشتر ثواب عمل را نیز افزایش می‌دهد. پس استدلال بر دو مقدمه استوار است: نخست این‌که برخی تکالیف دارای مقدمات بیشتر و دشوارترند و بعضی دارای مقدمات کمتر و سهل‌الوصول‌ترند. مقدمه دوم این است که کثرت ثواب در عمل به کثرت مقدمات و



دشواری عمل برمی‌گردد؛ لذا می‌شود گفت بر مقدمه نیز ثوابی مترتب است. این اولین استدلالی است که شهید صدر از ناحیه قائلان به ثواب آن را نقل کرده است.

جواب از دلیل اول

جوابی که مرحوم شهید صدر و دیگران از این استدلال داده‌اند این است که ما آن مقدمه اول استدلال را قبول داریم و کاملاً با شما همراه هستیم؛ یعنی این سخن را قبول داریم در این‌که این عملی که یک مقدمه راحت دارد با این عملی که مقدمات سخت دارد، مثل هم نیستند، اما مقدمه دوم را شما فقط یک تفسیر می‌کردید، درحالی‌که مقدمه دوم منحصر در آن وجه نیست که شما تفسیر کردید. شما گفتید فزونی کفه‌ای این عمل بر مقدمه، بر این عمل کم مقدمه به این خاطر است که بر این مقدمات ثواب داده می‌شود. البته این یک تفسیر برای حل مسئله است که شما گفتید؛ اما یک تحلیل و وجه دیگری نیز وجود دارد که به بحث «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَحْمَزُهَا»^۱، برمی‌گردد. ما یک قاعده‌ای داریم در عمل نیک که قبلاً در سخنرانی‌ها مطرح کرده‌ام و اخیراً نیز مطالبی به آن افزوده‌ام. در آن بحث گفته‌ام که نگاه اسلام به عمل و عناصر مؤثر در عمل را در حدود پانزده مطلب بیان کرده‌ام که حالا نمی‌خواهم وارد آن بحث بشوم که داستانی دیگری دارد که رویکرد اسلام به رفتار بشر و تحلیل‌هایی که در این زمینه وجود دارد بحث‌های مهم و مفصلی دارد. یکی از این عناصر تأثیرگذار در عمل مشقت در عمل است. گفته می‌شود که مشقت در عمل موجب می‌شود که ارزش عمل، بالاتر بیاید. چنان‌که درجه خلوص و اخلاص عمل، نیز عمل را پایین و بالا می‌برد. یکی از آن عواملی که در ارزش و رتبه‌بندی عمل اثر دارد، همین میزان سختی و دشواری موجود در عمل است. در روایات بسیاری آمده است که «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَحْمَزُهَا» و روایاتی که همین مضمون را با تعابیر دیگر دارد. پس اولاً مشقت و درجه سختی عمل، با درجه ارزش عمل رابطه مستقیم دارد که در نتیجه ثواب و درجه ثواب عمل تأثیر دارد؛ هر قدر مشقت پایین‌تر باشد ارزش عمل هم در همان سطح پایین‌تر است ثواب عمل هم همین‌طور است؛ هر قدر عمل سخت‌تر بشود و مشقت بیشتری را مستلزم باشد، درجه عمل بالاتر می‌آید و ثوابش هم بیشتر می‌شود. یک عمل را شما فرض بگیرید، مثلاً نماز در شرایط سهل و صعب درجه‌اش متفاوت می‌شود؛ پس حموزت و مشقت و دشواری و سنگینی عمل، یکی از ملاک‌های تضاعف درجه و ثواب عمل است.

مطلب دیگر این است که این سختی و دشواری حداقل به دو نوع تقسیم می‌شود: گاهی سختی و دشواری عمل به خاطر عوامل خارجی است؛ یعنی الآن که شخص می‌خواهد نماز بخواند کسانی او را اذیت می‌کنند. این عوامل بیرونی موجب

^۱ - بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۷، ص ۱۹۱.



شده است که این نمازخواندن سخت بشود. گاهی این سختی به خاطر آن گرایش‌های درونی است. البته آن عامل بیرونی هم در نهایت به درونی برمی‌گردد، ولی ابتدائاً می‌شود این‌گونه تقسیم کرد. در روایت دارد که: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ مَا أُكْرِهَتْ عَلَيْهِ نَفْسُكَ»^۲ بهترین عمل آن است که آن عمل را بر خودت تحمیل کنی. پس در این تقسیم ابتدایی می‌شود بگوییم که عوامل بیرونی یا داخلی در ارزش عمل تأثیر می‌کند، ولی در نهایت عوامل بیرونی نیز به درونی برمی‌گردد؛ چون عوامل بیرونی هم همان سختی درون را ایجاد می‌کند. به‌رحال این هم مهم نیست، اصل قصه این است که اگر به دلایل بیرونی یا درونی عمل دشوار شد، هر قدر دشوار شد درجه ثواب را بالاتر می‌برد. این یک مطلب، مطلب دیگر این است که «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَحْمَزُهَا» افضل الاعمال احمزها که می‌گوییم گاهی در مقایسه انواع اعمال است؛ شما وقتی انواع اعمال را مقایسه بکنید، مثلاً جهاد و حج نسبت به برخی اعمال دیگر مشقت دارد. این مشقتش نسبت به یک عمل دیگر موجب می‌شود که از این حیث ثوابش را بالاتر ببرد، اما گاهی ممکن است این‌گونه نباشد مثل نماز که در انجام یک عمل، میزان مشقت متفاوت باشد مانند نماز در شرایط مختلف. حالا نکته‌ای که در این جا وجود دارد این است که این مشقت عمل از کجا ناشی می‌شود؟ چی می‌شود که این عمل سخت و دشوار می‌شود؟ به نحوی الآن عرض کردیم: یکی سختی به خاطر این است که آتش غضب یا شهوت در آن شعله‌ور است، وقتی شخص می‌خواهد عملی برخلاف آن غضب و شهوت انجام دهد، این سختی و دشواری دارد و میزان و توان آن شخص در مقابله با آن سختی‌ها به آن عمل ارزش می‌دهد. مثلاً در جایی که شرایط گناه فراهم است و شخص گناه انجام نمی‌دهد، خدا حکمت را بر قلب او جاری می‌کند؛ یعنی این ثواب‌های مضاعفی است که بر این عمل متمرکز می‌شود. گاهی هم گفتیم به خاطر این عوامل بیرونی است که گفتیم مانع از انجام عمل است یک نوع مشقت بیرونی است. گاهی عمل کم مقدمه یا پر مقدمه است و عمل پر مقدمه با عمل کم مقدمه ثوابش هم‌وزن نیست. ما این تفاوت را قبول داریم، اما مقدمات بیشتر موضوع ثواب نیست، بلکه علتی است که در موضوع ثواب اثر می‌گذارد به عبارت فنی و اصولی: آیا این مقدمات برای ثواب، حیثیت تقییدیه است یعنی خودش موضوع است؟ می‌گوییم نه می‌گوییم این‌ها حیثیت تعلیلیه است. اثر را ما قبول داریم که مقدمات می‌تواند در فزونی ثواب اثر بگذارد، اما این‌که موضوع مستقل ثواب باشد، این را قبول نداریم. این یک بحث است. پس شما دو تا مقدمه داشتید یکی می‌گفتید عمل پر مقدمه ثوابش بیشتر است. مقدمه دوم این بود که این فزونی ثواب به خاطر این است که مقدمه ثواب دارد، اما ما می‌گوییم این فزونی ثواب اعم از این مطلب است؛ می‌تواند به دلیل مقدمات بیشتر باشد یا می‌تواند به این خاطر باشد که عمل سخت‌تر شده است و عنوان «احمز» بر آن صدق می‌کند؛

^۲ - بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۵، ص ۶۹.



روایات «افضل الاعمال احمزها» می‌گوید خود آن عملی که تکلیف به آن تعلق گرفته است وقتی احمز شد، خود آن عمل ثواب دارای ثواب بیشتر است. گاهی ذات آن عمل، با قطع نظر از احمزیت ثواب دارد، گاهی اوقات به خاطر این است که مقدمات دشواری دارد ولی آن دشواری به خود عمل هم سرایت می‌کند، از این مطلب شما نمی‌توانید استفاده کنید که ذات آن مقدمه موضوعی برای ثواب است. این دلیل اول و جواب آن‌که به نظر می‌آید این جواب درست باشد. البته نوعی جوابی که ما عرض می‌کنیم با آنچه شهید صدر می‌گوید یک تفاوت کوچک دارد. این‌که بزرگان در جواب گفته که افضلیت این اعمال به خاطر احمزیت و مشقت آن است و مقدمات هم علت است نه موضوع، ما می‌گوییم الزماً هم این‌گونه نیست؛ چرا که احتمال و تفسیر دوم نیز وجود دارد با وجود این احتمال نمی‌شود استدلال کرد. این تفاوت کوچکی است که با فرمایش بزرگان دارد.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين